

جایگاه هویت انسان به ویژه زنان در دنیای پست پست مدرنیسم

دکتر مرضیه رضایی کلانتری

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکاء

چکیده

در این مقاله پژوهشگر ابتدا به پژوهش در خصوص روند تحولات دوره‌های پیش مدرنیسم^۱ (۱۴۵۰، ۱۰۰۰)، مدرنیسم^۲ (۱۹۶۰، ۱۴۵۰)، پست مدرنیسم^۳ (۱۹۸۹، ۱۹۶۰) و پست پست مدرنیسم^۴ (آغاز دهه ۱۹۹۰ تا به امروز) پرداخته و سپس با توجه ویژه به سیمای اقتصاد، مدیریت، فرهنگ، موسیقی و جامعه اطلاعاتی به جایگاه هویت انسانی به ویژه زنان پرداخته و خصوصیات هر یک را تعیین و تجزیه و تحلیل نموده، آنگاه کلیه تحولات همراه با مفاهیم اصلی در جدولی آورده شده است.

واژگان کلیدی

پیش مدرنیسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم، پست پست مدرنیسم، فرهنگ، جایگاه زنان، هویت انسانی.

مقدمه

(۱) توجه به طبیعت و طبیعت گرایی؛

(۲) محوریت داشتن کشاورزی؛

(۳) جهت گیری قبیله ای؛

(۴) بسته عمل کردن فرهنگ‌ها؛

(۵) حاکم بودن اشرافی گری؛

(۶) متکی بودن بر آموزش توسط خانواده؛

(۷) اعمال کردن تنبیهات سخت و جدی در آموزش؛

(۸) اتکاء بر آزمایش و خطا در مدیریت؛

(۹) نابرابری حقوق زن و مرد؛

(۱۰) مدیریت نظامی؛

(۱۱) مدیریت آنتی و مدیریت طبیعت گرایانه، نگاه به

عقاب و حیوانات و آنچه خداوند در طبیعت

ساخته است.

مدرنیسم

بیشتر دانشمندان بر این عقیده‌اند که مدرنیسم در

اواخر قرن نوزدهم شروع شد و به عنوان یک نیروی

فرهنگی غالب تا اواسط قرن بیستم هم ادامه یافت،

مدرنیسم را به عنوان مجموعه جنبش‌های هنری بین

المللی در دوره ۱۹۴۰-۱۹۰۰ هم تعریف می‌کنند،

مدرنیسم همانند همه دوران‌ها از همه جهات بشر را

احاطه می‌کند و ارائه یک تعریف مجزا و یا کلی برای

آن غیرممکن است، وانگی ویژگی‌های کلی آن عبارتند

از تأکید بر زیباشناسی رادیکال، تجربیات فنی، بازتابی

بودن فرا زمانی، بازتابی بودن خودآگاهانه، جستجوی

اعتماد پذیری، اصالت در روابط انسانی، هنر انتزاعی و

مدینه فاضله که این ویژگی‌ها به طور طبیعی در پست

مدرنیسم وجود دارد. (چاپلدز ۲۰۰۸)

فلسفه غرب با قبول در بحران بودن خود به این

دگرگونی واکنش نشان داد، تعداد زیادی از فلاسفه

بزرگ این دوره مدعی شدند که در فلسفه پیشین

اشتباهات عمیقی مرتکب شدند و اکنون نیازمند یک

بازیابی جدی هستند، آنها بسیاری از برجسته ترین

پا به هزاره سوم نهاده ایم. در نگاهی پویا و

استراتژیک به تحولات عظیم جهانی در عرصه‌های

مختلف با دیدگاه‌ها و تفکرات نوینی روبرو هستیم که

ریشه‌های عمیقی در نیازهای غیر قابل انکار امروز و

فردای زندگی بشر دارد. آری تفکرات ما در مورد

هستی شناسی، ماهیت انسانی، اخلاقیات، فرهنگ،

هویت، زنان. سیاست‌ها و اقتصادها همواره در سیر

زمان دستخوش تغییر و تحولاتی شده اند که این

تغییرات محصول شرایط مختلف اقتصادی، فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی می‌باشد که خود تغییرات دیگری را

هم شامل می‌شود. لذا تقسیم بندی کردن دوران

تحولات تفکر انسان به چهار دوره پیش مدرنیسم،

مدرنیسم، پست مدرنیسم و پست پست مدرنیسم کاملاً

اختیاری است، در این گذر هویت، فرهنگ و جایگاه

زنان در ارتباط با فرهنگ حاکم در این دوران مورد

بررسی قرار گرفته است.

روند تحولات و گذر به دوران پست پست

مدرنیسم

در ابتدا به اختصار تعریف کوتاهی از هر چهار

دوره پیش مدرنیسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم و پست

پست مدرنیسم ذکر می‌شود:

پیش مدرنیسم

توسعه حاصل از انتقال نوسنگی در حدود ۱۰۰۰ تا

۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح رخ داده است در آن

دوره ۹۵ درصد از جمعیت کشاورز و روستایی بودند.

بسیاری از آنان تحت سلطه یک طبقه روحانی قرار

داشتند که در نهایت به پادشاه یا امپراطور ختم

می‌شدند، این دوره تا تولد سرمایه داری و رنسانس

دوام آورد (نیاز آذری ۱۳۸۱). به بیان دیگر در این دوره

مشخصات زیر دیده می‌شود:

۸) محدود کردن نقش واقعی زنان به سه چیز، بزرگ کردن کودکان، آشپزخانه و کلیسا. (سجادی ۱۳۸۲)

پست مدرنیسم

به اعتقاد متزاولوسن،^۷ در سال ۱۹۹۵ پست مدرنیسم واژه ای است که در ابتدای دهه ۱۹۸۰ بر اساس آثار فلاسفه اجتماعی فرانسوی و تا حدودی انگلوساکسون مانند دریدا، بودرو یلارد، جیسون و هاروی توجه و علاقه زیادی را در قلمرو علوم اجتماعی به خود معطوف کرده است. (داوودی ۱۳۸۵)

پست مدرنیسم که در خلال نیمه دوم قرن بیستم در سطح فرهنگی شکوفا شد، کمتر به عنوان طرح و بیشتر به عنوان نقدی بر مدرنیت مطرح شد. پست مدرنیسم معتقد است که برنامه کار مدرنیت بیشتر به تجمع قدرت مرتبط است تا جستجوی حقیقت، و از آن برای تقویت قدرتمندان با هزینه ضعیف استفاده شده است، بعضی‌ها به اشتباه پست مدرنیت را انکار حقیقت می‌دانند. (شاهینیان ۲۰۰۹) در جهان پست مدرن، پس از ۱۹۶۰ روابط تولیدی قبلی تغییر کرده است و کل نظام ارزش گذاری متحول شد. در این دوره بیشتر توجهات به اطلاعات، نرم افزار، کامپیوتر و وسایلی که به سبکی با تکنولوژی هوا و فضا در ارتباط می‌باشد سوق پیدا کرد. اطلاعات در این عصر با مصرف تمام نمی‌شود و بر خلاف بیشتر اشیاء در جهان سرمایه داری با استفاده مکرر کاهش نمی‌یابد. جهان پست مدرن متعلق یا مطیع یا منحصر به هیچ گروهی بجز کاربران فکری نمی‌باشد. جهان اطلاعاتی پست مدرن مقدار کار کاربران فکری را کاهش نداده، بلکه فقط بار تصمیم گیری را افزایش داده است، در این سازمان‌ها سرمایه به صورت پول یا ماشین آلات نیست بلکه به صورت «اطلاعات» است. شیوه‌های ایجاد انگیزه در کارکنان مبتنی بر روش‌هایی است که بتوان رضایت باطنی آنها را تأمین کرد، از خصوصیات این دوره، طرد

جنبش‌های اواخر قرن نوزدهم و بیستم را با عناوینی چون ذهنی و متافیزیکی رد کردند. در همین دوران بود که اشکال جدید و بارز فلسفه غرب در قرن بیستم شکل گرفتند و متأثر از این تغییرات هنر، سیاست و علم نیز متحول شد. (داوودی ۱۳۸۵) مدرنیسم به منطقه‌گرایی، آزادی، پیشرفت و خوش‌بینی‌گرایی توجه خاصی نشان داده است. (نیاز آذری ۱۳۸۱)

هویت زن از منظر مدرنیسم

- ۱) زن هویت غیر علمی- اجتماعی داشته و حتی مانع علم آموزی تلقی می‌شود.
- ۲) بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و این امر نتیجه سلطه عقلانیت، جنسیت و طبیعت است.
- ۳) عینیت‌گرایی^۵ که به معنی ارجحیت فعالیت‌های تجربی، علمی و مهارتی است دلیل برتری مردان بر زنان است.
- ۴) بنیاد گرایی^۶ که به معنی تأکید بر بنیادهای طبیعی، ژنتیکی و زیستی است، زمینه برتری هویت مردانه بر زنانه را فراهم می‌کند، که هویت امری ثابت است.
- ۵) تأکید مضاعف مدرنیسم بر واقعیات عینی و ملموس و نفی جنبه‌های متعالی انسانی، میدان را برای حضور زنان محدود می‌کند.
- ۶) نگرش دوگانه مدرنیسم نسبت به زن و مرد و قراردادن زنان در طبقه ای متمایز و متفاوت از مردان زمینه برتری مردان را فراهم می‌کند.
- ۷) حذف نقش‌های ذاتی و طبیعی زنان در اکثر پیشرفت‌های علمی از جمله پزشکی و قرار گرفتن و محور شدن مردان باعث کاهش نقش و جایگاه واقعی زن در جامعه و تعیین نگاه تحقیر آمیز به وی شده است که حتی آنها را مستحق خشونت می‌شمارد.

- ۶) برای تعریف هویت زنان هیچ تئوری از پیش مسلم و مفروضی وجود ندارد.
- ۷) هویت امری اقتضایی و نسبی است.
- ۸) زن موجودی سیاسی (اجتماعی همسان با مرد است چون تجربه‌های زن و مرد می‌تواند مشترک و همسان باشند).
- ۹) زن را نمی‌توان طبقه‌ای جدا از مردان دانست چرا که این یعنی نابرابری زن و مرد.
- ۱۰) واقعیت وجود زنان را باید خود آنها تعیین و روشن کنند، نه دیگران.
- ۱۱) هویت امری تاریخی و زمینه‌ای است و هویت زنان را باید بر اساس تجربه‌های آنان تعیین و تحلیل نمود.
- ۱۲) تأکید بر ذهنیت^۸ و خلق معانی زندگی توسط خود آدمی، زمینه‌بازایی هویت واقعی زنان را فراهم می‌کند.
- ۱۳) هویت از طریق گفتمان مشروعیت پیدا می‌کند.
- ۱۴) هویت^۹ نمی‌تواند مردانه یا زنانه باشد بیشتر یک مقوله سیاسی اجتماعی و مرتبط با بافت قدرت است. (سجادی ۱۳۸۲)

هویت زن از منظر پست مدرنیسم

- ۱) تأکید پست مدرنیسم بر امور غیرعقلانیت محض عاطفی، ضمیر ناخودآگاه و زمینه هویت یابی زنان است.
- ۲) در پست مدرنیسم با تأکید بر ساختار زدایی، جنسیت صرفاً یک مقوله طبیعی و بیولوژیک نیست.
- ۳) هویت نمی‌تواند مفروض و از قبل ساخته شده باشد، هویت نسبی است و امری متنی است.
- ۴) هویت و جنسیت بیشتر یک ساخت اجتماعی است و تصور هویت جنسی پیش از متن امری بی معنی است.
- ۵) تأکید بر ویژگی‌های طبیعی، زیستی، موجب برتری مردان بر زنان است.
- دنیای پست پست مدرنیسم چیست؟
- در چند دهه اخیر دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی نوینی در آثار متفکران مطرح شده است از جمله پست مدرنیسم و اکنون هم به پست پست مدرنیسم می‌توان اشاره کرد. این دیدگاه‌ها در قلمروهای مختلفی چون فلسفه، سیاست، فرهنگ و علوم اجتماعی، مسائل و مباحث تازه‌ای را برانگیخته و نگرش‌های جدیدی را در تعلیم و تربیت بوجود آورده است.
- از پنج نفر پرسید که PPM^{10} به چه معناست؟ احتمالاً چند پاسخ متفاوت دریافت خواهید کرد و یا اصلاً پاسخی دریافت نمی‌کنید، به نظر می‌رسد که هر کسی به طور فردی مفهوم آنرا درک می‌کند، اما افراد

روانشناسی،^{۱۳} تاریخ نویسی^{۱۴} و زیست شناسی دریایی^{۱۵} طعم تندی به کارها بدهد و یا به عبارتی تاثیر زیادی بر آنها داشته باشد و همچنین می‌تواند به عنوان بازتاب یا واکنشی در برابر مدرنیسم و پست مدرنیسم یا نوع اصلاح شده آنها باشد. (فوربز ۲۰۰۳)

PPM جنبش فلسفه جدیدی است که طبق آن همه آنچه که در پست مدرنیسم فاقد مفهوم بود کنار گذاشته می‌شود، در این جنبش دیگر صحبت کردن مشکلی را حل نمی‌کند، پس وقت اثبات عمل است، در این جنبش باور بر این است که عمر PM پایان یافته است پس باید جنبش جدیدی شروع شود. (بیلی باب بود ۲۰۰۳) در جستجوی دور انداختن پارامترهای تفکر PM و پاکسازی و تصفیه آن از تکیه بر مفاهیمی چون اهمیت دادن به محتوی مادی می‌باشد. (فوربز ۲۰۰۳)

از نظر برخی PM در پایان نیمه اول قرن بیستم به اوج خود رسید ولی از دهه ۱۹۸۰ به بعد علائم شکست در آن ظاهر شد، بجای تحقق آرمان‌های PM، باید به سمت روندی که ماهیتاً بعد جهانی دارند حرکت کرد، از نیمه سال ۱۹۹۰ به بعد بخاطر خستگی ناشی از رواج آموزه‌های پست مدرنیسمی به تدریج وارد فضایی شده ایم که به آن PPM می‌گویند. PPM همانند PM و M^{۱۶} از مبحث زیباشناسی مثل هنر، معماری، موسیقی و رقص آغاز شد. (ریحانه ۱۳۸۲).

سوال اینجا است، منظور از PPM چیست؟ سوال بجایی است به ویژه چون جواب مشخصی برای آن نیست، PPM به اندازه M و PM نمایانگر بعد فرهنگی نیست، ولی بیشتر یک نشانه است که مشخص می‌کند ما اینجا هستیم، چون فرهنگ از PM فاصله گرفته و به نقطه کنونی که تعریف نشده رسیده است. صداهای PM همچنان شنیده می‌شود و همینطور صداهای M، ولی تقریباً شش سال و نیم پیش اتفاقی روی داد که به منزله شروع جهان PPM بود در این

کمی به طور جمعی در مورد آن به توافق می‌رسند، یعنی هر توصیفی در مورد پست پست مدرنیسم تعبیر خاصی است که فرد در ذهن خود آن را درک می‌کند. (ماتوکس ۱۹۹۵)

هزاره سوم با یک گذر آغاز شده، گذری برای رهایی از تضادها، گذر از PM^{۱۱} به فراسوی آن یعنی PPM. در اینجا از تعریف جیمسون می‌توان استفاده کرد، او Post را بیان تغییر و تفاوت‌های مهم تعریف می‌کند، بنابراین Post تحول زمانی نیست و در این معنا پست مدرنیسم یا پست پست مدرنیسم ناشی از تغییر در واقعیت‌ها در ابعاد گوناگون آن است. بدین ترتیب PPM حرکت به فراسوی PM است اما نه هر حرکتی، PPM درصدد است به ماورای راه‌های نامطمئن که بوسیله PM ایجاد شده، دسترسی پیدا کند.

به عبارت دیگر PPM به معنای بر فراز PM ایستادن و آن را بازنگری کردن است، یعنی نوعی بازنگری کردن به پست مدرنیسم و مرور کردن آن آرمان‌هایی که مطرح شده یا مبناهایی که پست مدرنیسم بر آنها تکیه داشته تا بتواند به آن آرمان‌ها دست یابد، PPM از لحاظ لغوی به معنای یافته ایی که بعد PM بوجود آمده تا شاید نواقص و نارسایی‌های وضع موجود را با پیدا کردن راهی برای آینده برطرف سازد. PPM در تعامل با PM شکل گرفته است. شاید

بتوان گفت در جواب به این قضیه بوجود آمده که امروز پدیده‌های مختلف و متفاوتی برای تجزیه و تحلیل وجود دارند، پدیده‌هایی که دیگر اصول PM توانایی پاسخ دادن به آنها را ندارند. (ماتوکس ۱۹۹۵)

بنابراین PM و PPM می‌توانند با هم وجود داشته باشند و این بدان معناست که PM همچنان که در حرکت و در جریان است مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. (کلانتری، ۱۳۸۶) در واقع PPM بخشی از PM است که وارد تفکر و اندیشه مدرن شده است و می‌توان در خیلی از رشته‌ها نظیر تئوری‌های ادبی،^{۱۲}

را به پذیرش PPM تشویق کرد و انتخاب بهتری برای آن داشت (پیرسون ۲۰۰۸)

میخائیل اپستین^{۱۸} آمریکایی تبار در سال ۱۹۹۹ در کتاب خود در مورد PM روشی پیشنهاد کرد که PM بخشی از یک ساختار تاریخی بزرگتر است، او آن را پست مدرنیته می‌نامد. اپستین معتقد است که زیباشناسی پست مدرن بالاخره معمول شده و اساس یک نوع شعر جدیدی می‌شود که او آن را با پیشوند «فرا (Trans) توصیف می‌کند.

در بررسی نام‌هایی که ممکن است بتوان برای دوره جدید پس از پست مدرنیسم بکار برد می‌توان فهمید که پیشوند Trans (فرا) از جهات خاصی بهتر است، سه ماهه آخر قرن بیستم تحت عنوان Post پیش رفت که نشان دهنده مرگ مفاهیم مدرنیته از قبیل حقیقت و عینیت^{۱۹} روح و ذهنیت^{۲۰} آرمان شهر^{۲۱} آرمان گرایی^{۲۲} منشأ اولیه و اصالت^{۲۳} صداقت^{۲۴} و غلو در بیان احساسات^{۲۵} است، همه این مفاهیم اکنون بصورت فرا ذهنیتی^{۲۶}، فرا آرمان گرایی^{۲۷} فرا آرمان شهر^{۲۸} فرا اصالتی^{۲۹} فرا غنایی^{۳۰} و فرا احساسات^{۳۱} متولد شده اند. (ایستاین ۲۰۰۹)

پست پست مدرنیسم و ادامه تحصیل

کسب علم و درک ممکن است (مدرنیسم) ولی این علم و شناخت همیشه در حال تغییر و یا اصلاح هستند (پست مدرنیسم) که به این تفاهم M و PM، PPM می‌گویند. پروژه آموزش روشنگری، افزایش علم و شناخت انسان را از خط نابودی نجات می‌دهد، ضمن اینکه از ایده تعدد ابعاد معتبر حمایت می‌کند، باز بودن حدود تغییر فکر را ترویج می‌دهد در ضمن در تأکیدش بر تجربه انسان در آموزش بزرگسالان، بر تجربه‌های خود شاگرد اهمیت داده شود، مثلاً در مفهوم انعکاسی، "APEL" (اعتبار گذاری یادگیری تجربی قبلی)، ایده آموزش رادیکال و تأکید بر

رویداد مدرنیسم و پست مدرنیسم به صورت یک گلوله آتش به هم برخورد کردند و خاکستر این رویداد سبب این مفهوم بود که «حرکت به جلو تا کجا ادامه دارد؟»

مطالعات مذهبی یک نگرش جهانی و چالش‌های مسیحیت که در طول تاریخ ریشه دوانده را افزایش خواهد داد. هم M و هم PM راه را به سمت دنیای PPM در حالی که از شادی، شمع، لطافت، قضاوت درست و منطق صحیح بهره مند می‌شوند هموار می‌کند. (شاهینیان ۲۰۰۹) PPM اصطلاحی است که در ادبیات، هنر، معماری، فلسفه و فرهنگی که از PM و یا در واکنش به آن به وجود می‌آیند، بکار می‌رود.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ این احساس همگانی در فرهنگ و دنیای علم بود که PM از مد افتاده است. ولی تلاش‌های رسمی کمی برای تعریف و نامگذاری دوره PPM صورت گرفته که هیچ یک از نام گذاری‌ها مورد استفاده عمومی قرار نگرفته است.

ریشه به اجتماع و توافق در مورد پیدایش یک دوره، به ویژه اگر آن دوره هنوز در مراحل اولیه پیدایش خود باشد، بسیار مشکل است. ولی یکی از ابعاد مثبت تلاش‌های کنونی برای تعریف PPM این است که دین، اعتماد، دیالوگ، عملکرد و صداقت می‌تواند از وارونه نمایی PM کند. تعاریف زیر از نظر عمق، توجه و گستردگی، متفاوت اند بنابراین به ترتیب پیدایش آنها فهرست شدند، در سال ۱۹۹۵ معمار محوطه سازی و طرح شهرسازی تام ترنر^{۱۷} کتابی با عنوان «رویکرد پست پست مدرن در طراحی شهری» را منتشر کرد. ترنر از شعار (همه چیز می‌رود) انتقاد کرد و پیشنهاد می‌کند که حرفه‌های مربوط به محیط زیست شاهد ظهور تدریجی PPM هستند که به دنبال آمیختن استدلال و دین است، همچنین ترنر در مورد استفاده از الگوهای هندسی و ارگانیک در طراحی شهری استدلال‌هایی ویژه داشت، در مورد واژگان تخصصی ما

نمی‌توانیم حقیقت را بشناسیم چون حقایق پیرامون هر کس به صورت خاص ساخته می‌شود.

این تصویر که PM، از حقیقت گریزان است و هر فرد باید حقیقت خود را بشناسد، دارد جای خود را به حقیقت رنگی ساخته شده توسط PPM می‌دهد. می‌توان با مثالی این موضوع را توضیح داد. در آینده، پیش بینی این است که همه کارها آنلاین (On line) انجام می‌شود. دانش آموز یک مقاله می‌نویسد و سپس هر فردی با استفاده از برنامه‌های جدیدی مثل Text flow در مورد این مقاله نظر می‌دهد.

اگر به هر یک از این نظرات به عنوان مطالب افزودنی یا کاستنی از مقاله بنگرید و به هر نویسنده به عنوان یک رنگ نگاه کنید، درمی‌یابید که حقیقت هر فردی در جامعه ساخته می‌شود و هر بخش از کار دانش آموز دارای یک رنگ بخصوص است.

پیش بینی می‌شود، کار با یک مدل حقیقت رنگی شده، در ۱۵ تا ۲۰ سال آینده صورت می‌گیرد. Wiki، شروع این تکنولوژی است و Wiki کامل تر در دو یا سه سال آینده ایجاد می‌شود که دانش آموزان اجازه دارند کار همدیگر را ویرایش کنند. در واقع برنامه‌های Beta، برای بسیاری از این برنامه‌ها ایجاد شدند. در مدل رنگی حقیقت، معلم فرضیه اش را در پایگاه داده Wiki وارد

می‌کند و شاگردان با استفاده از رنگ و آدرس IP خود اطلاعات را وارد می‌کنند و به این نظریه اضافه می‌کنند و یا پاراگراف‌های جدیدی را شروع می‌کنند که با آن مخالفند و یا در تایید آن می‌نویسند. از شاگردان خواسته می‌شود، تا پاراگراف فرضیه را مرتبط بنویسند. از آنها خواسته می‌شود با هم یک فرضیه ارائه دهند که آن را ویرایش کنند تا به یک تصمیم دموکراتیک برسند. شاگردان، سلاقی خود را در این فرایند حفظ می‌کنند ولی افکارشان جذب جامعه کلاس می‌شود.

شنیدن صداهای حاشیه ای و در روایت و اتوبیوگرافی در پژوهش کیفی آن مطرح است که با آموزش مادالامر تناسب دارد. همین یادگیری مادام‌العمر این ایده را ترویج می‌کند که مجموعه ثابتی از علم وجود ندارد که بتوان به آن دست یافت یا تا حد خاصی بر آن مسلط شد تا آن پایان یادگیری در زندگی باشد.

در آخر، تداوم آموزش بر پدیده جهانی شدن متمرکز بوده و شاید به عنوان یک مربی آموزش اشکال جهانی تجربه انسانی و دانش را بدون اعمال یک سری از علوم و ارزش‌های محلی بشناسیم که در واقع PPM به بعد متعادل معرفت شناختی است و با تئوری و عمل آموزشی بزرگسالان دائمی همخوانی دارد. (لیکستر ۲۰۰۰)

پست پست مدرنیسم، مدل رنگی شده حقیقت

آنها می‌خواهند در همه چیز، پیشرو باشند! برای یک رهبر کارآمد شدن، باید تمایلات و گرایش‌های آنها را شناخت و آنها را دنبال کرد تا بتوان فهمید که ۱۰ سال دیگر و ۱۰۰ سال دیگر چگونه خواهند بود. یک رهبر کارآمد، بررسی می‌کند که چگونه کارها و تلاش‌هایش به دانش آموزان را برای ۱۰ سال دیگر انتقال خواهد داد. با این مقدمه، این سوال را می‌پرسیم، بعد از PM چه پیش می‌آید؟

ابتدا باید نگاه کوتاهی به پست مدرنیسم و فلسفه پست مدرنیسم که با مسئله پیچده زبان سرو کار دارد انداخت. فیلسوفان در چند صد سال گذشته به بررسی این مسئله پرداختند که چگونه دانش قبلی بر درک ما از مطالب پیش روی تأثیر می‌گذارد. نظریه پردازان متوجه شدند که روش تفسیر متون با نحوه درک ما از جهان، ارتباط نزدیکی دارند. ما معمولاً یک جنبه به مطالب نگریسته و در نتیجه این تئوری را به مسئله PM کشانده که پیشنهاد می‌کند حقیقت، از ما فرار می‌کند. ما

به همین شکل، تحلیل و آنالیز نتایج داده‌ها صورت گرفته و نمودار این داده‌ها در دفتر شطرنجی رسم شده و برای الگوها آنالیز می‌شود، ولی در دنیای امروز **Wiki**، همین داده‌ها را در فهرست داده‌های کلاس در زمان واقعی وارد کرد و از لحاظ آماری، پراکندگی آنها را آنالیز کرد. آمار، ریاضی مادر جدید در مدل حقیقت رنگی خواهد بود. ریاضیات نظری هنوز در کمک به فهم آمار، جایگاه مهمی خواهد داشت ولی آماری که قبلاً بزرگ بود، در دنیای با مقادیر نامحدود داده‌ها، قابل کنترل می‌شوند. می‌توان یک آزمایش را در دبیرستان‌ها انجام داد و همه داده‌های حاصل از آزمایش را در یک **Wiki** قرار داد، جایی که می‌توان داده‌ها را در یک سطح **Meta** آنالیز کرد. (پیرسون ۲۰۰۸)

تاریخ و منشأ خود دور شده و خود را به عنوان یک «اصل» فراموش کند، بیشتر دچار مسخ شدگی و بی هویتی می‌گردد، چیزی که امروزه به عنوان «بحران هویت»، زن را به کالا و حتی پست تر از آن تبدیل کرده است. از ویژگی‌های عمده دوران **PPM** که سبب اوج گیری حرکت انقلابی زنان در دوباره یابی خود، معرفت شناسی و خودشناسی آنان شده است، انتقاد **PM** و موقتی بودن مدرنیته و خواص آن است. این دیدگاه معتقد است که اصالت دوران تاریخی باید هستی و وجود خود را در خواص دائمی خود جستجو کند نه آنچه که به طور لحظه ای دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. امروز زنان با تکیه بر همین اصل، توانسته اند هویتی فراتر از همه تاریخ را دریافته و موجودیت خود را به عنوان جنس برتر، ثابت کنند.

بررسی روند جهت گیری زنان در دوره پست پست مدرنیسم

در سال ۱۹۷۵ یکی از روزنامه‌های آمریکا مطلبی تحت عنوان «**PM** مرده است» را منتشر نمود. متعاقب آن در سال ۱۹۸۱ منتقد برجسته یورگن‌ها برماس جملات انتقادی سختی را به طرفداران **PM** از جمله لیوتار و فوکو وارد کرد و منشأ منطقی انتقادش را بر پایه اخلاق و زن قرار داد. او فوکو را ضد عقل‌گرا معرفی کرد و عنوان کرد که ما می‌توانیم و باید به طور عقلانی از ارزش‌هایمان مانند حقوق بشر (حقوق زن) و دموکراسی دفاع کنیم. وی اعتقاد داشت که دوره **PPM** به معنای این است که باید هر چه بیشتر مجذوب سنت‌هایمان شده و به تاریخ گذشته رجوع کنیم. (تام جانسون ۱۹۹۷) اینگونه اعتقادات **PPM** و ویژگی‌ها و مضامین آن بسترهای اصلی رجوع به خرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های اقلیمی، فرهنگی، اعتقادی را فراهم کرده است. این نکته یکی از ویژگی‌های برجسته مدرنیسم است که بر چندفرهنگی و چندملیتی تأکید فراوان دارد. صاحب‌نظران در این زمینه معتقدند که هر چه انسان از

در گذر از **PM** به **PPM**، بسیاری از نظام‌های عقیدتی تغییر یافته و ارزش‌های نوینی را در خود جایگزین نموده اند. علیرغم این تغییرات، هنوز کشوری در جهان وجود ندارد که زنان در آن به طور مساوی با مردان از منزلت سیاسی، قدرت و یا در دسترسی به منابع برخوردار باشند. حال که جهان به هزاره سوم و عصر **PPM** وارد شده است، امکان این تصمیم وجود دارد که آینده زنان (به عنوان نیمی از نژاد انسانی) عادلانه تر و منصفانه تر از امروز باشد. اکنون جای این سوال است که حرکت زنان در دوره **PPM** تا کجا و به کجا خواهد رفت؟

- آیا فاتح دنیا خواهند شد و حکومت‌های جهانی را در دست خواهند گرفت؟
- آیا زنان به جبهه گیری و مقابله با مردان خواهند پرداخت؟
- آیا مسیر **PPM** هویت سیاسی زنان را تغییر خواهد داد؟
- و یا بر عکس **PPM** دنیا، سیاست، علم و فرهنگ را دستخوش دگرگونی خواهد نمود؟

۳) ماشین‌های زن نما: زن در دوران PPM نه

کالای تبلیغاتی خواهد بود و نه محتوایی برای استعمارگران، بلکه به ماشینی تبدیل خواهد شد که باید دوشادوش تکنولوژی مطابق برنامه‌ای از پیش تعیین شده انجام وظیفه کند.

۴) متلاشی شدن بنیان خانواده و به تاریخ پیوستن

واژه خانواده.

۵) بحران ایجاد شکاف طبقاتی بین زنان مناطق

محروم و زنان PPM و عدم سازگاری آنها.

(کیومینگ، ۲۰۰۳)

هویت زنان از منظر پست پست مدرنیسم

پس از پیدایش حرکت نقادانه نسبت به مدرنیسم که امروزه به ما بعد پست مدرنیسم مشهور شده است. شاهد حرکت از تبعیض بین زن و مرد، نژاد گرایی، استعمار و دنیای مرد سالار به سمت زودودن غلبه گرائی مردان بر زنان و نفی مبانی گرائی مدرنیستی نسبت به خصوصیات طبیعی و زیستی مردان بوده ایم و نیز متوجه این حقیقت نیز گشته ایم که اساساً امروز خود پست مدرنیسم نیز دچار پارادوکس‌های درونی مفرط شده است.

از جمله این پارادوکسها: ^{۳۵} ظهور جریاناتی مانند نژاد گرایی نوین، ^{۳۶} همجنس گرایی ^{۳۷} و تعددگرایی فرهنگی است که البته هر کدام خود محصول فضایی است که پست مدرن‌ها آن را دامن زده اند. امروزه تأیید این جریانات خود به معنی نابودی آموزه‌های PM است، البته بسیاری PPM را به معنی بازگشت به دوران نظم و عقلانیت و قاعده مندی مدرنیستی می‌دانند.

عصر PPM را عصر جهانی شدن کالا، سرمایه، ابزار و رسانه‌ها و عصر جامعه‌هایی چون جامعه دانشی ^{۳۸} جامعه اطلاعاتی ^{۳۹} جامعه ارتباطی ^{۴۰} می‌دانند،

• آیا PPM عصر نوزایی ادیان کهن خواهد بود یا

اینکه ادیان نو متولد خواهند شد؟

• آیا زن در دوران PPM رسانه خواهد بود یا

محتوا؟ ابزار خواهد بود یا پیام؟

• و بالاخره تسهیل کننده خواهد بود یا محور

اصلی؟

در پاسخ به این سوالات و سوالات مشابه بی شمار دیگر، دانشمندان، از هر فلسفه فکری و ادیان مختلف تلاش‌های زیادی نموده و پیش بینی‌هایی را نیز داشته اند، آنچه مسلم است، آن است که هیچ وقت تمامی پیش بینی‌ها درست از آب در نخواهد آمد. با این حال الگوهای حرکتی زنان به PPM، می‌تواند راهنمای خوبی جهت تبیین آینده زنان قلمداد گردد. جهت گیری زنان در دوره PPM چشم انداز و هویت جدیدی را برای زنان تحت عنوان هویت دیجیتالی ^{۳۲} یا هویت تکنولوژی ^{۳۳} ایجاد کرده است.

هویتی که زنان را در راستای توسعه علوم نانو تکنولوژی قرار داده است. اما این موفقیت‌های رو به رشد مانند هر قدرت یا ثروتی، بی مسئله یا خالی از اشکال نخواهد بود. اگر در کنار توسعه و اهتمام به امور زنان، افکار «موازی زیستن با مردان بجای جبهه گرفتن و حرکت رو در رو با آنان» در جامعه رواج داده شود، شاهد بحران‌های نوظهوری در دوران PPM خواهیم بود که عبارتند از:

۱) بحران مردان بی هویت: به نظر می‌رسد با این

روند چند سال دیگر باید کنفرانس‌ها و همایش‌هایی در دفاع از حقوق مردان و تبعیض علیه آنان برگزار گردد (CEDAW) ^{۳۴}

۲) بحران فرار از بارداری: تولید انسان نهایی

آزمایشگاهی و فرار زنان از مسئولیت‌های بارداری، مادری و عاطفی، بحرانی است که در دوران PPM با آن مواجه خواهیم بود.

فراتر از طبقه و نژاد گفت. هویت‌های دیجیتالی، هویت‌های تصویری شناخته شده و روزآمد جهانی هستند که البته بیشتر رنگ جمعی و کل گرایانه (جهانی) دارند.

اگر در مدرنیسم، برخی از جنبه‌های کل گرایانه هویتی و فرهنگی را دارای ماهیت امپریالیستی می‌دانستند، هویت‌های عرضه شده در عصر ما بعد پست مدرنیسم نیز ماهیت امپریالیستی نوین داشت، که البته از طریق رسانه‌ها و تصویر سازه‌های رسانه ای اتفاق می‌افتاد. عمده ترین کارکرد رسانه تصویری در زمینه هویت سازی این است که ملاحظات فردی (ملی) محلی هویت را به تدریج کم رنگ نموده و ملاحظات جهانی و بین المللی هویت را جایگزین آن کرده است، که البته در این مبانی بنیادهایی چون طبیعت، نژاد و ملیت، زبان محلی و بومی نیز می‌تواند پایه‌های هویت تلقی شوند. (سجادی ۱۳۸۲)

در هر مرحله ایرادات و نواقصی برای ملل مختلف وجود داشته که مرحله بعد به آن با دیدی تحلیلی و انتقادی نگریسته و آن دوران را علاوه بر اصلاح و ترمیم، بازسازی^{۴۱} کرده است. تاریکی ظاهر شده در دوره PPM شکاف بزرگ طبقاتی، و تکنولوژیکی بین کشورهای پیشرفته با دیگر کشورهاست و روشنی این دوره تبدیل رویای قدرت و سرمایه دانش^{۴۲} به واقعیت است.

سوالی که باید سازمان‌های مدعی تولید علم و دانش به آن پاسخ دهند این است که آیا در آینده نزدیک PPM، تاریکی بر روشنایی غلبه می‌کند یا بالعکس؟

در این جوامع کامپیوتر و اینترنت ابزار اساسی تولید اطلاعات و تبادل دانش شناخته می‌شود. پذیرش جهانی اینترنت به عنوان وسیله ای که مردم را در معرض مفاهیم جدید قرار می‌دهد امری عادی به نظر می‌رسد، اینترنت در تغییر نگرش‌ها، عقاید و ایجاد روحیه مصرف گرایی و خلق هویت‌های فرهنگی نوین نقش اساسی ایفا می‌کند. برنامه‌هایی که مایکروسافت برای توسعه فناوری کامپیوتر عرضه می‌کند همگی نشانه‌هایی از عصر PPM هستند.

اینکه بعضی‌ها PPM را وارد شدن به فضای مدرنیستی می‌دانند دلیل عمده آن این است که این دوره جدید دارای اقتضائاتی است که وقتی به درستی تحلیل می‌شود از همان شباهت‌هایی برخوردار است که دوره مدرنیسم از آن برخوردار بوده است، چرا که مدرنیسم با تأکید بر ذرات ناسیونالیستی خود و ارجاع به قاعده، و مبانی گرائی فرد، در پی اشاعه نوعی خاص، ثابت، فراگیر و تمامیت خواهانه از هویت انسان‌ها و پس از ایجاد جامعه ای با غلبه مردان بوده است. (مک انیس ۲۰۰۱)

در فضای PPM نیز که با داعیه‌های جهانی آمیخته شده است، هویت یک امر جهانی، عام و کلی است که کم کم تمامی هویت‌های محلی و ملی را به هویت‌های جهانی تبدیل می‌کند، هویت‌های حاصله از این جریان را امروزه هویت‌های دیجیتالی می‌دانند که از فراسوی مرزها به درون مرزها توصیه شده و سپس به غلبه کامل بر هویت‌های ملی و محلی منجر می‌شود.

البته هویت‌های رایج PPM چیزی فراتر از هویت تک تک افراد اعم از زن و مرد است، چرا که در PM می‌توان از هویت فردی سخن گفت و یا به عبارتی

تاریکی جهانشمول	خاکستری قابل قبول	روشنی امیدوار کننده	{ پیدایش تاریکی در روشنی }
پیش مدرنیسم	مدرنیسم	پست مدرنیسم	پست پست مدرنیسم

هویت امروزه هویت دیجیتالی است که به فراسوی مرزها عرضه می‌شود. هویت در این دوره چیزی فراتر از هویت تک تک افراد (چنانکه در مدرنیسم و پست مدرنیسم بدان تأکید می‌شود) است. جنبه کل گرایانه هویت در این دوره با رویکرد ناسیونالیستی مدرنیسم در مورد هویت یکسان است، با این تفاوت که در مدرنیسم دامنه آن محدودتر بوده است.

با توجه به ابزار دانستن زن در عصر تکنولوژی و ارتباطات و حضور ابزاری زن در رسانه‌ها، هویت باز تعریف شده در این دوره بسیار به هویت مدرنیسم شباهت دارد. (مک انیس ۲۰۰۱)

آیا شکاف طبقاتی و تکنولوژیکی کشورها روز به روز بیشتر شده و کره زمین را دو قطبی می‌کند یا این که علم می‌تواند این شکاف را ترمیم کند؟

از آنجا که ویژگی بارز PPM به معنی رجوع به نظم و عقلانیت و قاعده مندی است، هویت نیز معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرده است. همین هویت دیجیتالی صاحبان تکنولوژی فرامردن به علم، در جهت پرکردن هر چه سریعتر شکاف موجود جهت داده است. تکنیک‌های زیر از سوی سازمان تکنولوژی آمریکا برای پر کردن این شکاف عنوان شده است که عمده ترین آنها وظیفه سازمان‌ها و مدیران آموزشی است. (محمدی

(۱۳۸۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهشگر با عنایت ویژه به روند تحولات چهار دوره با توجه به جایگاه زنان، فرهنگ، موسیقی، مدیریت در هر مقطع آورده شده و با عنایت به ارزش‌های نظام فرهنگی کشور زمینه رشد عالمانه و آگاهانه قشر زنان به عنوان نیمی از سرمایه‌های ملی کشور را فراهم آورد تا بتواند نقش آگاهانه در تعبیر مولفه‌های فرهنگی کشور را با توجه به ملاحظات جهانی ویژگی‌های بومی فراهم آورد.

اسلام حیات بخشنده‌ترین و کاملترین ادیان الهی است که تبعیض درباره جنس و نژاد و طبقه قبیله را نه تنها وجه تمایز یا تحدید و ارتقاء نمی‌داند، بلکه به نفی و طرد آنها می‌پردازد در این دین مقام تقوی و حرکت به سوی قرب الهی هدف اصلی بوده و در این سیر هیچ تفاوت و تمایزی میان بشر ملحوظ نیست.

در قرآن کریم علاوه بر اینکه یکی از سوره‌ها بنام زنان «نساء» آمده، حدود ۴۰۰ آیه در مورد زنان نازل گردیده که بیانگر اهمیت و اهتمام این کتاب الهی به نقش زنان است. (آناهید ۱۳۸۶)

در عصر جدید دیگر هویت‌های فردی نمی‌توانند پاسخگو باشند بلکه باید به هویت جهانی و دیجیتالی

- خودآموزی^{۴۳}
- یادگیری مادالعمر^{۴۴}
- مدیریت دانش^{۴۵}
- آموزش مجازی^{۴۶}
- یادگیری الکترونیکی^{۴۷}
- آموزش مبتنی بر کیفیت^{۴۸}
- توجه فراشناختی^{۴۹}
- تمرکززدایی^{۵۰}

هویت از منظر پست پست مدرنیسم شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) پست پست مدرنیسم به معنی بازگشت مجدد به دوران نظم و عقلانیت و قاعده مندی است و هویت نیز در پی یافتن قاعده و نظم و شکل تعریف شده و ثابت است. هویت تحت تأثیر ویژگی‌های طبیعی (مدرنیستی) و گفتمان (پست مدرنیستی) نیست، بلکه بیشتر متأثر از تحولات فنی و تکنولوژیکی است. بین ملاحظات هویتی زن در مدرنیسم و پست پست مدرنیسم شباهت‌هایی وجود دارد.

هویت یک امر جهانی، عامل و واحد است که تمامی هویت‌های ملی محلی دیگر باید تابع آن باشند.

- 7) Johnson , T, (1997) "post. post modernism" Tue. 21 Jan 9716:59:54CST www.johnsont a tamug. Tam. Edu.
- 8) Karen. M. (2003) "The Spanish Navel in the 20 century" p.147.
- 9) Leicester. European Commission. "(2000), life long learning in the 21 century university" p.2.
- 10) Net as an attitude. (2003) www.post.postmodernism.htm.
- 11) Hickman. A. (2009) "Pragmatism as post)post modernism" New York: Fordham university press. PP. 284. <http://americanjournal.Hu/vo4no1/eldridge/review>.
- 12) Shahinian. A(2009) "What's a post)post modern world2" NOV)28)07 5:07am PP:1)3.
- 13) <http://dic.academic.ru/dicc.nsf/enwiki/>
- 14) Childs.P.(2008) "Modernism" publisher, New York P.18.
- 15) MC innis, G(2001) "The struggle of post modernism and post) post modernism" Laval university press. P.81.
- 16) Person, G. (2008) "post)post modernism": The color – constructed truth model" November 30, PP.1)6.
- 17) Estein, M. (2009) " post) post modernism" PP.1)5. <http://dic.academic.ru/dic.nsf/enwiki/2577382>.
- 18) Lelecester. M. (2000) "post) post modernism" Journal. Vol. 19. No.1
- 19) Mattox. J. (1995) "post modernism or post)post modernism, PP.1)5, www.jonmattox.com [www.post\)post modernism.htm](http://www.post)post modernism.htm) www.Ezboard.com.P.I.htm
- 19) Bob Bub, B. (2003) "post) post modernism" , www.Ezboard.com.P.I.htm
- اندیشید پس در هزاره سوم باید سیاستگذاران باورهای خود را به سمت تئوری‌های جدیدی بگشایند که متناسب این عصر و خصوصیات آن باشد، از جمله این تئوری‌ها و رویکردها همانطور که ذکر شده مدیریت دانش در طرح آموزشی، رهبری تکنولوژی و آموزشی، اقتصاد و PPM است، اگر در سیاستگذاری آموزش و پرورش به تئوری‌ها و رویکردها و یا دارایی‌های جدید اتکاء شود برنامه‌هایی طراحی می‌شود که متناسب با نیاز افراد فرا پیچیده (از جمله زنان) در عصر نتوکراسی خواهد بود و طبیعی است که تجلی سیاست‌ها در برنامه‌ها ظاهر می‌شود.
- منابع و ماخذ**
- ۱) داوودی، امیر حسین (۱۳۸۵) «تئوری‌های سازمان و مدیریت در جهان امروز» جزوه منتشر نشده، مقطع دکتری دانشگاه واحد علوم و تحقیقات.
- ۲) نیاز آذری، کیومرث (۱۳۸۱) «سازمانهای آموزشی در هزاره سوم» انتشارات: فرا شناختی اندیشه، چاپ اول.
- ۳) سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲) «هویت زن از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و ما بعد پست مدرنیسم» فصلنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان، ریحانه، سال اول، شماره ۳، تابستان.
- ۴) رضایی کلانتری، مرضیه (۱۳۸۶) «پست پست مدرنیسم» جزوه منتشر نشده مقطع دکتری، واحد علوم و تحقیقات.
- ۵) محمدی، فاطمه (۱۳۸۵) «هویت زنان در پست پست مدرنیسم» جزوه منتشر نشده، مقطع دکتری، واحد علوم و تحقیقات.
- ۶) آنایید، فاطمه (۱۳۸۶)، «هویت زنان از دیدگاه قرآن» مجموعه مقالات زن در قرآن، ۱۰ دی.

جدول (۱): خلاصه محورهای مدرنیسم و پست مدرنیسم و پست پست مدرنیسم

عناوین طول تقریبی دوره	مدرنیسم (M) ۱۹۰۰ (۱۹۵۰)	پست مدرنیسم (PM) ۱۹۵۰ (۱۹۹۵)	پست پست مدرنیسم (PPM) ۱۹۹۵ تا کنون
اولین بار	اولین بار در صنعت	اولین بار در معماری	اولین بار در هنر
علت شروع دوره	از بین رفتن عمق فرهنگ سنتی و خمودگی عاطفی، بیداری فکری	واکنشی بین المللی در مقابل بین المللی علاقه بیشتر به امور غیرعقلانیت	باور به اندیشه‌های جهانی و جهانی اندیشیدن و بومی عمل کردن
ویژگی‌ها	مادی گرایی، فیزیک گرایی، عقل گرایی، فرد مداری، اعتقاد به وجود، حذف نسبت گرایی، اعتقاد به رألیسم مطلق، فرد گرایی، مرد سالاری، توجه به بنیادهای طبیعی و انحصار گرایی، اختراع و خلق چیزی جدید، حاکمیت مطلق بودن علوم، تمامیت گرایی، اخلاق مطلق	عکس العمل گرایی، ترقی خواهی، فرهنگ محتوایی و تجدد فرهنگی، اعتقاد به رألیسم اجتماعی و تکنولوژی، جمع گرایی، تساوی حقوق زن و مرد توجه به ادبیات، خودگردانی تغییر، عدم ثبات، تولید انبوه حقایق، حاکمیت عدم اصالت، اصالت عقل، شکاکیت اخلاقی	فراساختارگرایی، فرا ذهنی، فرا آرمان گرایی، فرا آرمان شهر، فرا اصلاتی، فرا غنایی، فرا احساسات، نخیه گرایی، شبکه گرایی، شناخت مفاهیم و معلومات فرهنگی، تسلط بر بحران، اعتقاد به رألیسم جادویی، تیم گرایی جهانی فلسفه، فرا جنسی، توجه به عمل، فلسفه گرایی، خلق دانش جدید، تکنولوژی جدید، حقایق هنری و نمایش ذره‌ها
عصر	صنعت، استبداد ماشین، ثبات و یکنواختی	فرا صنعتی، دموکراسی، آگاهی، شتاب، حرکت، انعطاف پذیری و تلاطم	اطلاعات و ارتباطات، میکرو کامپیوترها، نتوکراسی
مدیریت	مدیریت اجرایی و عملکرد دستورات اقتدار گرایانه، ساختار مکانیکی، اهداف مالی، سرمایه داری در مقابل سوسیالیسم، شناخت مدیریت از راه علم، استراتژی کوتاه مدت ساختار بوروکراسی، ساختارمند، تخصصی کردن و تقسیم کار	مدیریت راهبردی، رهبری مشارکتی، شبکه‌های بازار، اهداف چند گانه، آمیزه‌های سرمایه داری و سوسیالیسم، شناخت مدیریت از راه هنر، استراتژیک بلند مدت، ساختار دموکراسی، بدون ساختار	مدیریت دانش، اقتصاد دانش، شبکه‌های جهانی، مدیریت را از ناحیه معماری و هنر می‌شناسند، استراتژی بلند مدت، مدیریت مجازی و فرا سیستمی زنده
فرایند ذهن	ذهن به عنوان فلک تولید دانش آشکار است	ذهن تولید کننده دانش، تولید دانش، ضمنی (تلویحی)	ذهن عامل پویایی، تکامل، تعالی، بقاء و خلق دانش است، تبدیل دانش تلویحی به دانش آشکار
واژگان کلیدی	وضوح و سلسله مراتب	مباحث شکنی، تغییر مسیر، بی نظمی و تضاد	نوسازی با دوره سازی (شبکه ای)
موسیقی و رقص	گروه‌های راک، پاپ	دی جی (DJ)، تکنو	رقص تعاملی
سیاست	سازمان ملل متحد از طریق فعالیت‌های سیاسی	خستگی و کسالت و بیزاری عبور از سیاست	ملل شبکه ای، دموکراسی از طریق عدم حضور فیزیکی
رسانه‌های جدید	تلویزیون	کسالت، ارتباطات اینترنتی	چند رسانه ای تعاملی
رسانه‌های قدیمی	کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها	انتشارات آزمایشی، الکترونیکی بیشتر از نشریات کاغذی حمایت می‌شود	کم کم در این دوران وسایل ارتباطی شکل واحد به خود می‌گیرد
علوم و آموزش	علوم مختلف، هیئت‌ها، عاملی در رویای علوم یکپارچه	خستگی، فراعلوم، کارهای مطالعاتی و پژوهش‌های مطرح می‌شوند	علوم موازی مرتبط به هم مطرح می‌شوند (تئوری ارتباطات و اطلاعات با همبستگی اطلاعات)
تکنولوژی مورد استفاده	تکنولوژی مکانیکی کاغذ و کامپیوتر (ایده واقعیت مجازی)	مخلوطی از تکنولوژی‌های مبتنی بر کامپیوتر	تقویت واقعیت یا واقعیت افزایشی
تکنولوژی اصلاحی	الکترونیک و علوم کامپیوتر	ارتباطات	بایو تکنولوژی
زن	برتری مردان بر زنان، محدود کردن حضور زنان در منزل، جنسیت یک مقوله طبیعی و بیولوژیک است	جنسیت یک مقوله طبیعی و بیولوژیک نیست. جنسیت یک ساخت اجتماعی است برتری مردان بر زنان	از بین رفتن تبعیض بین زن و مرد حضور زن در عرصه تکنولوژی و ارتباطات بین هویت زن در مدرنیسم و پست پست مدرنیسم شباهت وجود دارد فرار زن از مسئولیت‌های مادری و بارداری تبدیل زن به ماشینی که طبق برنامه دوشادوش تکنولوژی کار می‌کند
هویت	هویت غیرعلمی - اجتماعی، برتری هویت مردانه بر زنانه، هویت امری ثابت، هویت تحت تاثیر ویژگی‌های طبیعی	هویت امری نسبی، هویت امری متنی، هویت یک ساخت اجتماعی است، هویت از طریق گفت‌وگو مشروعیت پیدا می‌کند، هویت یک مقوله اجتماعی و سیاسی با بافت قدرت است	هویت در پی یافتن قاعده و نظم و ثابت است هویت تحت تاثیر تحولات فنی و تکنولوژیکی است هویت یک امر جهانی و واحد است هویت ماهیت دیجیتال و جنبه کل گرایانه دارد

یادداشت‌ها

- ¹Pre modernism
- ²Modernism
- ³Post modernism
- ⁴Post – post modernism
- ⁵Objectivism
- ⁶Foundationalism
- ⁷Mets Alvesson
- ⁸Subjectivity
- ⁹Identity
- ¹⁰Post - Post Modernism
- ¹¹Post Modernism
- ¹²Literary theory
- ¹³Psychoanalysis
- ¹⁴Historiography
- ¹⁵Marine Biology
- ¹⁶Modernism
- ¹⁷Tom Turner
- ¹⁸Mikhail Epstein
- ¹⁹(Objectivity)
- ²⁰Soul and Subjectivity
- ²¹Utopia
- ²²Ideality
- ²³Primary origin and originality
- ²⁴Sincerity
- ²⁵Sentimentality
- ²⁶Trans–Subjectivity
- ²⁷Trans Idealism
- ²⁸Trans–Utopianism
- ²⁹Trans–Originality
- ³⁰Trans–Lyricism
- ³¹Trans– Sentimentality
- ³²Digital Identities
- ³³Technology Identities
- ³⁴Calling for Ending Discretion Against Women
- ³⁵Paradox
- ³⁶New Nazism
- ³⁷Sexism
- ³⁸Knowledge society
- ³⁹Information society
- ⁴⁰Communication society
- ⁴¹Reengineering
- ⁴²Knowledge capital and power
- ⁴³Self learning
- ⁴⁴Life long learning
- ⁴⁵Knowledge management
- ⁴⁶Virtual instruction
- ⁴⁷E-learning
- ⁴⁸TQM in education
- ⁴⁹Meta cognition attention
- ⁵⁰Decentralization

